**دروغ سرچشمه همه گناهان**

در روايات اسلامي دروغ به عنوان " كليد گناهان" شمرده شده است، على (ع) مى‏فرمايد: « الصدق يهدى الى‏ البر، و البر يهدى الى الجنة»(9) " راستگويى دعوت به نيكوكارى مى‏كند، و نيكوكارى دعوت به بهشت".

در حديثى از امام باقر( ع) مى‏خوانيم:« ان اللَّه عز و جل جعل للشر اقفالا، و جعل مفاتيح تلك الاقفال الشراب، و الكذب شر من الشراب» "(10) خداوند متعال براى شر و بدى، قفلهايى قرار داده و كليد آن قفلها شراب است (چرا كه مانع اصلى زشتيها و بديها عقل است و مشروبات الكلى عقل را از كار مى‏اندازد) سپس اضافه فرمود: دروغ از شراب هم بدتر است" .

امام حسن عسكرى (ع) مى‏فرمايد: «جعلت الخبائث كلها فى بيت و جعل مفتاحها الكذب»(11)" تمام پليديها در اطاقى قرار داده شده، و كليد آن دروغ است" .

رابطه دروغ و گناهان ديگر از اين نظر است كه انسان گناهكار هرگز نمى‏تواند، راستگو باشد، چرا كه راستگويى موجب رسوايى او است، و براى پوشاندن آثار گناه معمولا بايد متوسل به دروغ شود. و به عبارت ديگر، دروغ انسان را در مقابل گناه آزاد مى‏كند، و راستگويى محدود.

اتفاقا اين حقيقت در حديثى كه از پيامبر (ص) نقل شده ،كاملا تجسم يافته، حديث چنين است:

شخصى به حضور پيامبر( ص) رسيد، عرض كرد نماز مى‏خوانم و عمل منافى عفت انجام مى‏دهم، دروغ هم مى‏گويم! كدام را اول ترك گويم؟! پيامبر( ص) فرمود: دروغ، او در محضر پيامبر( ص) تعهد كرد كه هرگز دروغ نگويد: هنگامى كه خارج شد، وسوسه‏هاى شيطانى براى عمل منافى عفت در دل او پيدا شد، اما بلافاصله در اين فكر فرو رفت، كه اگر فردا پيامبر( ص) از او در اين باره سؤال كند چه بگويد، بگويد چنين عملى را مرتكب نشده است، اينكه دروغ است و اگر راست بگويد حد بر او جارى مى‏شود، و همين گونه در رابطه با ساير كارهاى خلاف اين طرز فكر و سپس خود دارى و اجتناب براى او پيدا شد و به اين ترتيب ترك دروغ سرچشمه ترك همه گناهان او گرديد.

**دروغ سرچشمه نفاق است**

چرا كه راستگويى يعنى هماهنگى زبان و دل، و بنا بر اين دروغ ناهماهنگى اين دو است، و نفاق نيز چيزى جز تفاوت ظاهر و باطن نيست.

در آيه 77 سوره توبه مى‏خوانيم: فَأَعْقَبَهُمْ نِفاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلى‏ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِما أَخْلَفُوا اللَّهَ ما وَعَدُوهُ وَ بِما كانُوا يَكْذِبُونَ:"(12)اعمال آنها نفاقى در دلهايشان تا روز قيامت ايجاد كرد، به خاطر اينكه عهد خدا را شكستند و به خاطر اينكه دروغ مى‏گفتند".

**دروغ با ايمان سازگار نيست**

اين واقعيت نه تنها در قرآن بلکه در احاديث نيز ثابت مي شود: در حديثى چنين مى‏خوانيم: سئل رسول اللَّه (ص) يكون المؤمن جبانا؟ قال نعم، قيل و يكون بخيلا؟ قال نعم، قيل يكون كذابا؟ قال لا!" (13) از پيامبر پرسيدند آيا انسان با ايمان ممكن است (گاهى) ترسو باشد فرمود: آرى، باز پرسيدند آيا ممكن است (احيانا) بخيل باشد فرمود: آرى، پرسيدند آيا ممكن است كذاب و دروغگو باشد؟ فرمود نه"!

چرا كه دروغ از نشانه‏هاى نفاق است و نفاق با ايمان سازگار نيست.

و نيز به همين دليل اين سخن از امير مؤمنان (ع)نقل شده است:

«لا يجد العبد طعم الايمان حتى يترك الكذب هزله وجده»(14)

" بنده اي مزه ايمان را نچشد تا دروغ را وانهد چه شوخي باشد و چه جدي" .

**دروغ نابود كننده سرمايه اطمينان است**

مى‏دانيم مهمترين سرمايه يك جامعه اعتماد متقابل و اطمينان عمومى است، و مهمترين چيزى كه اين سرمايه را به نابودى مى‏كشاند دروغ و خيانت و تقلب است، و يك دليل عمده بر اهميت فوق العاده راستگويى و ترك دروغ در تعليمات اسلامى همين موضوع است.

در احاديث اسلامى مى‏خوانيم كه پيشوايان دين از دوستى با چند طايفه از جمله دروغگويان شديدا نهى كردند، چرا كه آنها قابل اطمينان نيستند.

على( ع ) در كلمات قصارش مى‏فرمايد:

«اياك و مصادقة الكذاب فانه كالسراب، يقرب عليك البعيد، و يبعد عليك القريب»(15)

" از دوستى با دروغگو بپرهيز كه او همچون سراب است، دور را در نظر تو نزديك و نزديك را دور مى‏سازد" .

خدا نکند کسي معروف شود به دروغگويي که هيچ چيز شايد بيشتر از اين به حيثيت انسان لطمه نمي زند.(16)

البته سخن در باره زشتيهاى دروغ و فلسفه آن و همچنين علل پيدايش دروغگويى از نظر روانى و طرق مبارزه آن بسيار زياد است كه بايد آن را در كتب اخلاق جستجو كرد.

**سوگند دروغ**

يکي از موارد رواج دروغ ، سوگند دروغ است. اين عمل از زشت ترين گناهان و فاحش ترين عيوب است.

پيامبر اکرم(ص) فرمودند:« هر کس سوگندي به خدا ياد کند که به اندازه بال پشه اي دروغ در آن باشد نقطه اي سياه در قلبش پديد مي آيد و تا روز قيامت باقي مي ماند»

حضرت رسول(ص) فرمودند:« چه خيانت بزرگي است که به برادرت چيزي بگويي که تو را تصديق کند و تو به او دروغ گفته باشي»

پيامبر(ص)فرمودند:« سه گروهند که فرداي قيامت خدا با آنها سخن نمي گويد و به آنها توجه نمي کند و آنها را از گناهانشان تزکيه نمي کند اول کساني که چون چيزي ببخشند منت مي گذارند دوم کساني که کالاي خود را با سوگند دروغ به فروش مي رسانند و سوم انسانهاي متکبر.»

**دروغ در رديف شرک به خدا**

رسول گرامي اسلام(ص) فرمودند: « آيا شما را از بزرگترين گناهان خبر ندهم ؟بزرگترين گناه شرک به خدا و بد رفتاري نسبت به پدر و مادر و دروغ گفتن است»(17)

**دروغ از پستى انسان است**

پيامبر(ص) مي فرمايند:« دروغ گو دروغ نمي گويد مگر به سبب پستي نفسش» (18)

**دروغ هم گناه است و هم مقدمه فتنه‏ها**

علي(ع):« دروغ انسان را به سوي بديها هدايت مي کند و بديها نيز به سوي آتش جهنم»(19)

**تمام انبياء دروغ را تحريم كردند**

امام صادق(ع) فرموده اند:« خداي عزوجل انبياء را مبعوث نکرد مگر به راستي سخن و اداء امانت به نيک و فاجر» (20)

**دروغ سبب خرابي ايمان مي شود**

امام باقر(ع) مي فرمايد« دروغ ويران کننده ايمان است».

**دروغ بدترين بيماري**

حضرت علي (ع) مي فرمايد« بيماري دروغ ، زشت ترين بيماري است» (21)

**روزي انسان در ارتباط با خدا**

رسول گرامي اسلام(ص) فرمودند: « دروغ روزي انسان را کم مي کند»

**دروغ بدترين رباها**

رسول خدا(ص) فرمودند:« بدترين و بالاترين رباها دروغ است» (زيرا در رباي اقتصادي سرمايه افراد از ميان مي رود لکن در دروغ اصل ايمان خدشه دار مي شودو ربا خوار مالى دارد و آن را زياد مى‏كند و دروغ گو از هيچ، چيزى درست مى‏كند). أَرْبَى الرِّبَا الْكذِبُ(22)

**دروغ فراموشي مي آورد**

امام صادق(ع) فرمودند:« خداوند فراموشي را بر دروغ پردازان مسلط مي سازد که انسان علاوه بر اينکه لازم است خود از دروغ گفتن بپرهيزد بايستي از همنشيني و دوستي با افراد دروغگو خودداري کند». قَالَ الصَّادِقُ(ع):إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكذَّابِينَ النِّسْيانَ (23)

از امام صادق(ع) نقل شده که اميرالمومنين علي(ع) مکرر بالاي منبر مي فرمود« سزاوار است انسان مسلمان از دوستي با سه کس دوري کند: پر روي بي باک و تبه کار – احمق و دروغگو سپس درباره دروغگو فرمود زندگي کردن با دروغگو براي تو سزاوار نيست چون سخنان تو را براي ديگران و سخنان ديگران را براي تو بازگو مي کند و هرگاه داستاني را به پايان رساند ، داستان ديگري به آن مي افزايد تا آنجا که اگر راست گويد کسي باور نکند».

اميرالمومنين علي(ع) در ضمن حديثي به امام حسن مجتبي(ع) فرمود« از دوستي با دروغگو برحذر باش زيرا او مانند سراب است که در نظرت دور را نزديک و نزديک را دور مي سازد»

امام باقر(ع) مي فرمايد:« خداي تعالي بر بدي ها قفل هاي فراواني زده و شراب را کليد آن قرار داده است اما دروغ از شراب بدتر است».

پيامبر گرامي اسلام(ص) فرمودند:« خيانت بزرگي است که با برادرت سخني بگويي که او تو را تصديق کند و تو به او دروغ گفته باشي (24) و نيز مي فرمايد: دروغ روزي را کم مي کند و ممکن است مومن هر خصلتي پيدا کند و حتي با همان خصلت بميرد اما به خيانت و دروغ آلوده نمي شود».

اميرالمومنين(ع) فرمودند:« بزرگترين کژي ها و لغزشها نزد خدا زبان دروغ پرداز است».

امام باقر(ع) مي فرمايند:« دروغ مايه ويراني ايمان است».

**آثار دروغ**

دروغ به جز آثار سوء اخلاقي که در شاکله خود انسان دارد بنيان و شالوده جامعه را ويران مي کند مثل موشهايي که سد سبا را با آن استحکام ويران کردند. دروغ در خانه ، دروغ در مدرسه ، دروغ در بازار و محله و اداره و ... نظام خانواده و مدرسه و بازار و اداره و... را از هم مي پاشد. دروغ آثار زيانباري از جهت فرهنگي ، اقتصادي ، سياسي و اجتماعي به دنبال دارد .

* بي آبرويي: امام علي(ع):«الکذب يزري بالانسان» (28)
* رسوايي : « والله مخرج ما کنتم تکتمون»(29)

به قول علامه طباطبايي هر جزء نظام هستي با اجزاء ديگر و لوازمش مرتبط است . دروغگو اگر چيزي را پنهان کند لوازمش را چه کند لذا زود رسوا مي شود. بر فرض گرگ يوسف را دريد پيراهنش چرا سالم است؟ گندم کاشتي پس چرا جو سبز شد همين است که قرآن مي فرمايد:« إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّار»(30) « ْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّاب‏»(31)

* دروغ گو در اضطرار است

پيامبر(ص):« راستي آرامش است ولي دروغ هراس است»(32) دروغگو در هيجان است که مبادا حرف امروزش با فردا تضاد داشته باشد

**سرچشمه دروغ**

همانطور که در سابق هم اشاره شد دروغ معمولا از يکي از نقاط ضعف روحي سرچشمه مي گيرد.

گاهي از ضعف ايمان که انسان خدا را شاهد نمي دانديا به خاطر تبرئه خوديا به قصد تفريح و شوخي: علي(ع):« بنده اي مزه ايمان را نچشد تا دروغ را وانهد چه شوخي باشد و چه جدي»(33)

گاهي انسان به خاطر ترس از فقر ، پراکنده شدن مردم از دور او ، از دست دادن موقعيت و مقام دروغ مي گويد . زماني به خاطر علاقه شديد به مال و جاه و مقام و شهرت ديگري زبان به دروغ مي گشايد و از اين وظيفه نامشروع براي تامين مقصود خود کمک مي گيرد. گاهي تعصب هاي شديد و حبّ و بغض هاي افراطي سبب مي شود که انسان به نفع کسي که مورد علاقه اوست يا به زيان کسي که مورد نفرت و کينه او مي باشد بر خلاف واقع سخن بگويد. زماني براي آنکه خود را بيش از آنچه که هست بنماياند و اظهار علم کند دروغ مي گويد. ولي در تمام اين صفات رذيله که ريشه صفت دروغ را تشکيل مي دهد بايد از کمبود شخصيت و ضعف ايمان نام برد.

يکي ديگر از عوامل مهم دروغگويي ، احساس کمبود شخصيت و عقده حقارت است کساني که گرفتار چنين عقيده اي هستند با انواع دروغها و لاف و گزافها حقارتي را که در خود احساس مي کنند جبران مي کنند . و گاهي نيز به خاطر عدم توجه به مضارّ دروغ و اهميت راستگويي يا آلودگي محيط خانوادگي يا محيط اجتماع و معاشرين اين رذيله در انسان ريشه مي دواند.

تلقين - احساس کمبود- نجات يافتن- خجالت نابجا- دشمني و حسد- طمع در مال و مقام-نقل همه چيزو پيش گويي ها از ديگر عوامل دروغگويي به شمار مي آيند.

**عذاب ويژه دروغگويان**

دروغگو از نماز شب محروم است در نتيجه از برکاتي که اين عبادت بزرگ دارد محروم مي ماند که از آن جمله سعه رزق است.عيسي بن مريم(ع) فرمود: « کسي که دروغگوئيش زياد شود حسن و جمال و وقارش نزد خدا و خلق از بين مي رود به طوريکه مردم از او متنفر و منزجر مي شوند»(34)

خداوند او را هدايت نمي کند و راه حق را نشان او نمي دهد:«إن الله لا يهدي من هو مسرف کذاب»(35)

دروغگو قابل رفاقت و برادري نيست .حضرت علي(ع):« مسلمان بايد از دوستي و برادري دروغگو بپرهيزد زيرا به سبب دروغ گفتن اگر راست هم بگويد باور نمي شود»(36)

**گوش دادن به دروغ**

بايد دانست همانطور که دروغ بر دروغگو حرام است نقل ديگري هم حرام و همچنين ثبت کردن و نوشتن يا خواندن و گوش دادنش هم حرام مي شود

«سمّاعون للکذب» (37)در مذمت گوش فرادادن به دروغ و با علم به اينكه دروغ است آن را مى‏پذيرند چون اگر علم به دروغ بودن آن نداشته باشند صرف شنيدن دروغ صفت مذموم شمرده نمى‏شود

**انواع دروغ**

انواع و نمونهاي متعددي را مي توان نام برد اما به عنوان مثال چند نمونه را ذکر مي کنيم

دروغهاي نامرئي مانند نفاق و ژشتهاي خلاف واقع مثل اينکه کسي کتابخانه بزرگي دارد ولي فقط براي زيبائيش تهيه شده است.

دروغهاي عملي مانند ريا و تکذيب حرف راست که اين هم دروغ عملي است . نوشتن دروغ و اشاره دروغ و تدليس يعني زيبا جلوه دادن جنس هم از مصاديق اين گروه اند.

 دروغهاي عادي و رايج مانند تعارفات معمولي و تعريف خواب با کم و زياد کردن.

دروغهاي مکتبي مانند : تحريف و کج فهمي و کتمان.

**راه درمان دروغ**

با توجه به عواملي که در ايجاد اين صفت و ريشه دارساختن آن موثر است راه درمان آن نسبتا روشن خواهد بود و به طور کلي براي درمان اين انحراف اخلاقي بايد از طريق زير اقدام نمود:

قبل از هر چيز بايد مبتلايان را به عواقب دردناک و آثار سوء معنوي و مادي ، فردي و اجتماعي اين رذيله زشت متوجه ساخت و با تدبير و تفکر در آيات قرآن کريم و سخنان پيشوايان بزرگ دين و تجزيه و تحليل گذشته و گفتار بزرگان به اين نکته برسيد که دروغ در پاره اي از موارد هر چند نفع شخصي نيز داشته باشد نفعي آني و زود گذر است.و هيچ سرمايه اي براي يک انسان در اجتماع بالاتر از سرمايه اعتماد و اطمينان مردم نسبت به وي نيست که بزرگترين دشمن آن همين دروغ است.

ايجاد شخصيت: يکي ديگر از موثرترين طرق درمان دروغ پرورش شخصيت در افراد است زيرا همانطور که دانستيم يکي از عوامل مهم رواني دروغ، احساس حقارت و کمبود شخصيت است و در حقيقت دروغ گفتن يک نوع عکس العمل براي جبران اين موضوع است.اگر مبتلايان به دروغ احساس کنند صاحب نيروها و استعدادهايي در درون خود هستند که با پرورش آنها مي توانند ارزش و شخصيت خود را بالا ببرند نيازي به توسل جستن به دروغ براي ايجاد شخصيت قلابي در خود نمي بينند به علاوه بايد اينگونه افراد را متوجه ساخت که ارزش اجتماعي يک انسان راستگو بالاتر است ازهر سرمايه مادي و چيزي با آن برابري نمي کند.

کوشش براي تقويت پايه هاي ايمان به خدا در دل مبتلايان و توجه دادن آنها به اين حقيقت که قدرت خدا مافوق تمام قدرتهاست و قادر برحل تمام مشکلاتي است که افراد ضعيف الايمان به خاطر آن به دروغ پناه مي برند . راستگويان در برابر حوادث گوناگون بر خدا تکيه دارند ولي دروغگوها در اين گونه موارد تنهايند.

و براي درمان دروغ راههاي بسياري وجود دارد که بويژه در کلام ائمه معصومين به آنها طي احاديثي اشاره شده است.

[[1]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref1) نهج البلاغه صبحي صالح خطبه 50

[[2]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref2) آيت الله محمد رضا مهدوي کني نقطه هايي آغاز در اخلاق عملي

[[3]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref3) سيد علي اکبر قرشي قاموس قرآن ج7

[[4]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref4) سوره نساء آيه 50 و مائده 103 و يونس60 و 69 و نحل 116

[[5]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref5) سوره غافر آيسه 28

[[6]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref6) سوره واقعه آيات 1 و2

[[7]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref7) ميرزا علي – آيست الله مشکيني ، درسهايي از اخلاق ص 282

[[8]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref8) سوره نحل آيه 105

[[9]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref9) مشكاة الانوار طبرسى صفحه 157

[[10]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref10) اصول كافى جلد 2 صفحه 254

[[11]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref11) جامع السعادات جلد 2 صفحه 233

[[12]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref12) سوره بقره آيه77

[[13]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref13) جامع السعادات جلد 2 صفحه 322

[[14]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref14) اصول کافي باب دروغ ج5 ص 291

[[15]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref15) نهج البلاغه كلمات قصار كلمه 37.

[[16]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref16) روح الله الخميني چهل حديث ص 471

[[17]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref17) ارشادالقلوب ج1 ص185

[[18]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref18) **اختصاص مفيد ص 232**

[[19]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref19) أمالي صدوق ص419

[[20]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref20) کافي ج2 ص 104

[[21]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref21) غرر الحكم، ص220

[[22]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref22) من لا يحضره الفقيه، ج4، ص377

[[23]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref23) كافى، ج2، ص341

[[24]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref24) عبدالله شبر، اخلاق عبادي ص232

[[25]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref25) مکاسب محرمه شيخ انصاري ص265

[[26]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref26) من لا يحضره الفقيه ج4 ص352 و وسائل الشيعه ج8ص265

[[27]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref27) بحارالانوار ج74ص51

[[28]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref28) غررالحکم ص229

[[29]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref29) سوره بقره آيه 72

[[30]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref30)سوره زمر آيه3

[[31]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref31) سوره غافر آيه 28

[[32]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref32) کشف الغمه ج1ص535

[[33]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref33) اصول کافي باب دروغ ج5 ص 291

[[34]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref34) سيد محمد هاشم دستغيب گناهان کبيره ص295

[[35]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref35) سوره غافر آيه 28

[[36]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref36) اصول کافي باب دروغ ج5 ص 293

[[37]](http://www.ido.ir/cm1/fa-article_input.aspx#_ednref37) سوره مائده آيه 41